




10.22059/JIS.2023.350285.1165

Research Paper

The effect of expanding the scope of central security on Iran's economic situation during the period of Shah Abbas I

Kuresh Salehi 

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran. Email: salehi@lihu.usb.a.c.ir

Article Info.	Abstract
<p>Received: 2022/10/25</p> <p>Accepted: 2023/02/21</p> <p>Keywords: <i>Safavid era, Shah Abbas I, central security, capital, caravansera, trade, road.</i></p>	<p>The effect of expanding the scope of central security during the period of Shah Abbas I had a valuable role on the order and order of affairs and commercial prosperity. Considering the significant increase in the power of the local tribal centers and the relative passivity of the central government towards these centers in previous periods; The general development of the country's security and the important issue of economic prosperity in this domain; It was considered the most important factor in changing the general situation. With the accession of Shah Abbas I, this cycle underwent a general change, and the change in the formation of ethnic groups, ways and internal security equations and its supervision was the main part of these changes. This research, organized by historical method, revolves around the question, what was Shah Abbas I's goal of expanding the scope of central security? Based; The purpose of choosing the new capital, migration and arrangement of ethnic groups in the capital and the roads leading to it, paying attention to the roads, building numerous caravanserais, eliminating the sources of insecurity and strengthening the central security of the government; It was one of the most important measures of Shah Abbas I towards economic prosperity of the country. The result of the research shows that these measures of the security sector caused the formation of a new atmosphere in the field of general security and the important principle of the movement of commercial caravans and the expansion of the scope of citizenship laws in a way that in a relatively short period of time, the general atmosphere of the country towards balance and the speed of economic prosperity progress has been made.</p>
<p>How To Cite: Salehi, Kuresh (2024). The effect of expanding the scope of central security on Iran's economic situation during the period of Shah Abbas I. <i>Journal of Iranian Studies</i>, 14 (1), 43-61.</p>	
<p>Publisher: University of Tehran Press. </p>	



تأثیر گسترش دامنه امنیت مرکزی بر وضعیت اقتصادی ایران در دوره شاهعباس اول

کوروش صالحی[✉]

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران. رایانامه: salehi@lihu.usb.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تأثیر گسترش دامنه امنیت مرکزی در دوره شاهعباس اول بر نظم و ترتیب امور و رونق تجاری نقش ارزنده‌ای داشت. با توجه به افزایش چشمگیر قدرت مراکز ملوک‌الطوایفی و انفعال نسبی حکومت مرکزی نسبت به این مراکز در ادوار قبلی، توسعه عمومی امنیت کشور و مسئله مهم رونق اقتصادی در این دامنه مهم‌ترین عامل تغییر اوضاع عمومی به حساب می‌آمد. با به تخت نشستن شاهعباس اول این چرخه دچار تغییر کلی شد و تغییر در صورت‌بندی اقوام، راه‌ها و معادلات امنیتی داخلی و نظارت بر آن جزء عمده موارد این تغییرات بود. این تحقیق با روش تاریخی ترتیب یافته بر حول این سؤال که هدف شاهعباس اول از گسترش دامنه امنیت مرکزی چه بود؟ استوار است. هدف از انتخاب پایتخت جدید، مهاجرت و چینش اقوام در پایتخت و راه‌های منتهی به آن، توجه به راه‌ها، احداث کاروان‌سراهای متعدد، از بین بردن منابع ناامنی و تقویت امنیت مرکزی حکومت از مهم‌ترین اقدامات شاهعباس اول در جهت رونق اقتصادی کشور بود. دستاورد تحقیق نشان می‌دهد که این اقدامات امنیت‌بخش باعث تشکیل فضایی جدید در عرصه امنیت کلی و اصل مهم آموشد کاروان‌های تجاری و گسترش دامنه قوانین شهروندی شد؛ به نحوی که نسبتاً در یک دوره کوتاه مدت فضای عمومی کشور به سمت تعادل و سرعت رونق اقتصادی پیشرفت داشته است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۰۲

واژه‌های کلیدی:

صفویه، شاهعباس اول، امنیت مرکزی، پایتخت، کاروان‌سرا، تجارت، راه.

استناد به این مقاله: کوروش صالحی، کوروش (۱۴۰۳). تأثیر گسترش دامنه امنیت مرکزی بر وضعیت اقتصادی ایران در دوره شاهعباس اول. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۴ (۱)، ۴۳-۶۱



۱. مقدمه

فضای اقتصادی جامعه صفوی ارتباط مستقیمی با امنیت عمومی قلمرو آنان داشت که با توجه به تبعات شکست چالدران و افزایش قدرت ملوک الطوائف و همچنین قزلباشان، در آغاز سلطنت شاه‌عباس اول وضعیت امنیت عمومی، که پیش‌زمینه حیات اقتصادی بود، چندان ثباتی نداشت. نابسامانی حاصل از جنگ‌های بزرگ و کوچک در آستانه جلوس او، تأثیرات منفی بر روند نظم و ترتیب امور داشته و به عبارتی باید گفت: زیاده‌ستانی‌های حکام ایالات، فقدان یک حکومت مرکزی مسئول، شورش‌های ایالات و خصومت‌های ترکان و استیلای آن‌ها بر شهرها و جاده‌ها تجارت ایران را در آستانه فروپاشی قرار داده بود. شاه‌عباس اول با سیاست توانست اوضاع آشفته و ناامنی‌های داخلی را سامان دهد و هم‌زمان با ایجاد ارتش ثابت و مسلح به سلاح‌های آتشین توان نظامی سپاهش را افزایش داد و نیروهای قزلباش را محدود و مطیع حکومت مرکزی ساخت و با برقراری امنیت و آسایش در کشور، به‌جز درآمدهای محدود و همراه با نوسانات اقلیمی در بخش‌های کشاورزی و دام‌پروری، که به‌صورت سنتی موجود و مرسوم بود، به دنبال راهی برای افزایش میزان درآمدهای اقتصادی و چاره‌جویی در این خصوص شد؛ از این‌رو به تجارت سودمند و پررونق توجه بسیار شد. این رویه با هدف افزایش درآمدها، پیشرفت در امور تجاری و صنعتی، استفاده از توان سرمایه‌داران خارجی و داخلی برای رونق تجارت بود که به هر صورت باید تشویق و امنیتشان نیز تضمین می‌شد. در تاریخ ایران ثابت شده که شرایط اقتصادی با امنیت عمومی ارتباطی متقابل دارند و البته می‌توان به‌وسیله توجه به اوضاع اقتصادی، شرایط عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار داد و این مهم به دلیل قلت منابع تولید و اقلیم نسبتاً کم‌آب مرسوم شده است که حکومت‌ها با انجام برخی تمهیدات شرایط تولید را آسان‌تر و در کنترل نوسان‌های درآمدی، سیاست‌های مدیرانه‌ای را در پیش می‌گرفتند. بنابراین شاه‌عباس توسعه تجارت را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد و به اقداماتی در درون کشور دست زد که به گسترش دامنه امنیت و به دنبال آن پیشرفت تجارت کمک زیادی کرد. نتیجه‌آنی این اقدامات علاوه بر افزایش عمومی سطح امنیت، فراهم‌شدن زمینه حضور تجار خارجی در ایران بود.

در خصوص ضرورت تحقیق باید گفت از آنجا که امنیت لازمه هرگونه تشکیل اجتماع و رشد آن است، این تحقیق به گسترش دامنه امنیت مرکزی در دوره شاه‌عباس اول و چگونگی تحقق این امر از نظر تعیین مرکز ثقل و انسجام‌بخشی به امور با ایجاد منابع پایدار امنیت و رفع منابع ناامنی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی است که از توصیف و تحلیل نیز کمک خواهد گرفت. منطق حاکم بر قسمت‌های مختلف تحقیق به منابع و مستندات و ارائه تحلیل‌های به‌جا اتکا خواهد داشت. ساختار تحقیق، با سرکوب منابع ناامنی شروع می‌شود و در ادامه به راه‌های افزایش توان امنیت بخشی حکومت صفوی می‌پردازد.

۲. ادبیات پژوهش (پیشینه و مبانی نظری)

درباره پیشینه تحقیق به صورت مستقل مقاله یافت نشد، اما به صورت عمومی مواردی در مقالات و کتب به نظر آمد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: رویکرد عقلانی شاه‌عباس اول و زوال دیر هنگام صفویان، محمدکریم یوسف‌جمالی و علی بهادری، ۱۳۹۱؛ بررسی عوامل بالندگی اقتصادی ایران در عصر شاه‌عباس اول صفوی، زهرا یوسف‌نیا ۱۳۹۳؛ بررسی وضعیت سیاسی و نظامی ایران در دوره شاه‌عباس اول بر اساس سفرنامه‌ها، الهام اکبری، ۱۳۹۹؛ تحلیل نظم اجتماعی در دوره صفوی با تکیه بر نظریه حکومت طبیعی شکنده نورث و همکاران، موسی‌الرضا بخشی استاد، علیرضا حیدری، ۱۴۰۰؛ مدیریت اوضاع امنیتی و انتظامی مرزهای شمال غربی ایران در دوران شاه‌عباس اول، سجاد حسینی و همکاران، مطالعات تاریخ انتظامی ش ۲۵، ۱۳۹۹؛ تحلیل برکنش‌های اقتصادی فرمانروایان ایرانی و پیوند آن با قدرت و امنیت...، جواد موسوی دالینی، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۲۳، ۱۳۹۷؛ سیاست‌های شاه‌عباس اول در رونق تجاری ایران، جهانبخش ثواقب، مجله تاریخ، دانشگاه آزاد بجنورد، ۱۳۸۵؛ همو، نقش اصفهان در اقتصاد عصر شاه‌عباس اول، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه ج ۲، ۱۳۸۲؛ کتاب اصفهان عصر صفوی، سبک زندگی و ساختار قدرت: خوانش دیگر از شرایط اجتماعی - سیاسی دوره صفویه، زهره روحی، ۱۳۹۷ که در این خصوص مطالب ارزنده‌ای را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در توضیح و تبیین مفهوم امنیت مرکزی و گسترش دامنه آن بر وضعیت اقتصادی باید گفت که تولید امنیت از دیرزمان مهم‌ترین کارکرد فلسفی وجود دولت در ایجاد و حفظ تداوم آن بوده است. انسان‌ها بعد از تجربیات فراوان و کشف این مهم که به تنهایی نمی‌توانند موفق به ایجاد و حفظ امنیت خود باشند، به تجمع در سازمان بزرگ‌تری به نام حکومت رو آوردند. در تاریخ ایران نیز این مهم با ایجاد حکومت ماد، که رسماً حکومتی فراقومی بود، بنیان نهاده شد؛ اما در کنار آن نظام ملوک‌الطوایفی به صورت تابع از حکومت مرکزی اطاعت می‌نمود و در تاریخ میانه نیز شخص سلطان نماد برقراری امنیت و نظم محسوب می‌شد (دلیر، ۱۳۹۳: ۷). بررسی شیوه و رفتار حکومت مرکزی و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی در طول تاریخ در خصوص ایجاد و گسترش امنیت اگرچه تقریباً در یک قالب نقش بسته است، گاه‌گاهی وجود تعارض در این دو منبع قدرت باعث اختلال در نظم و امنیت جامعه و به تبع آن در وضعیت اقتصادی می‌شد. ثبات سیاسی، نشان‌دهنده وضعیت سیاسی از نظر تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی مانند جنگ و ناآرامی‌های اجتماعی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۶۳). کارآیی سیاسی نشان‌دهنده اداره مطلوب کشور است و به عواملی مانند میزان جرم و جنایت، فساد اداری، دیوان‌سالاری، نهادهای مدنی و تغییرات در دولت در جهت تأمین اهداف اقتصادی بستگی دارد (برگستر، ۱۳۷۸: ۲۷). امنیت مرکزی به معنای شیوه و رفتار حکومت مرکزی برای ایجاد و گسترش امنیت در سراسر قلمرو یک حکومت است (صالحی، ۱۳۹۵: ۲)، خواه اینکه

این امنیت در تعارض با منافع ملوک الطوایفی قرار گیرد و خواه اینکه به ارتقای امنیت در آن نیز منجر شود. از شکست صفویان در جنگ چالدران، که در طی آن ابهت و اقتدار نوپای صفویه به چالش کشیده شد، تا برآمدن شاه عباس اول، در یک دوره افزایش نسبی قدرت ملوک الطوایفی در قالب نقش قزلباشان، خوانین محلی، خاندان‌ها و سرداران نظامی و... درخور توجه است که با بررسی کارکرد آن‌ها در این مقطع تاریخی می‌توان به تکه‌تکه شدن بافت و اختیارات حکومت مرکزی که در معرض منافع ملوک الطوایفی نسبتاً پر قدرت قرار گرفته بود پی برد. میراثی که این مقطع نسبتاً حساس به دوره شاه عباس منتقل کرده بود با مفروضات حکومت مرکزی تفاوت‌های بسیاری داشت. راهزنی، اقوام نافرمان، غارتگری، فقدان راه‌های مناسب و نظام تأمین امنیت آن، نبود پناهگاه و علائم راهنمایی کاروانیان، نبود نیروهای متخصص صنعتی و تجاری، بن‌بست عثمانی و انسداد راه‌های بزرگ تجاری، به‌روز نبودن تولیدات سنتی و نبود نیروی نظامی قدرتمند جدای از نظام ایلی و ملوک الطوایفی مهم‌ترین مسائل شاه عباس اول برای تغییرات اساسی در نظام امنیت مرکزی و گسترش دامنه آن به نظام اقتصادی ایران زمین بود. در تعریفی، امنیت اقتصادی عبارت از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم در یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، از مجرای داخلی و حضور در بازارهای بین‌المللی است (ماندل، ۱۳۷۷).

امنیت اقتصادی یعنی تأمین واحدهای تولیدی و حذف نگرانی‌های آنان از همه خطرها و برنامه‌ریزی درازمدت برای تلاوم حیات آن‌ها و فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی، سیاسی که در چارچوب آن فعالیت‌های اقتصادی بتواند اجرا شود و به بهره‌برداری برسد و از اخلاص‌ها و آشفتگی‌ها به بهترین وجه جلوگیری کند. در هر نظام اقتصادی، اگر سرمایه و نیروی انسانی مهم‌ترین منابع تولید باشند، امنیت نیز بستر اصلی این فرایند است و در صورت نبود امنیت به‌صورت طبیعی عوامل تولید خودبه‌خود به‌سوی محل‌هایی که بستر امنیت فراهم باشد کوچ خواهند کرد. شاه عباس اول برای گسترش امنیت از طرف حکومت مرکزی و به دنبال آن رونق اقتصادی در جامعه ایرانی به ابتکار عمل‌هایی دست زد. پایین کشیدن سران طوایف و امرای درباری و قزلباشان از جایگاه نسبتاً تثبیت‌شده قبلی کار بسیار دشوار و مهمی بود که به‌عنوان مقدمات اصلاح و تغییر در روند توسعه نظام امنیتی و همچنین نظام اقتصادی باید صورت می‌گرفت. عمده‌ترین اقدامات شاه عباس در این خصوص عبارت بودند از: متمرکز کردن حکومت و گسترش دامنه امنیت ساختاری، تشکیل نیروی سوم در میان نیروهای نظامی سنتی، امنیت پایتخت و اهمیت موقعیت جغرافیایی آن، ساخت راه‌ها و رباط‌ها و مسئله امنیت آن‌ها، اعطای نقش به ارمنیان در جهت تولید و رونق امنیت تجاری و تضمین تجارت داخلی و خارجی، تضمین امنیت تجار مسیحی غربی و تشویق آنان به فعالیت‌های اقتصادی، انحصار تجارت ابریشم تضمینی برای تولید و عرضه آن در ایران که هریک از این شاخص‌ها با رویکردی برای ایجاد انسجام و گسترش نظم و امنیت در لایه‌های متعدد سیاسی و اقتصادی به کار گرفته شد و باعث تغییرات بنیادین در نحوه نگرش به امنیت کلی جامعه و اصل توسعه‌دهی در اقتصاد کلان کشوری شد.

۳. متمرکز کردن حکومت و گسترش دامنه امنیت ساختاری

شاه‌عباس برای گسترش امنیت و انتقال مبانی آن از مراکز نظام ملوک‌الطوایفی و فئودالی به حکومت قدرتمند مرکزی تلاش وافر انجام داد. او که خود برآمده از تنش‌های مراکز سنتی قدرت در حکومت صفویه و به‌ویژه قدرت قزلباشان بود (قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۶) این نوع کنش‌ها را دخالتی آشکار در قدرت شاه می‌پنداشت و از ابتدای جلوس بر تخت شاهی این مسئله را برای همه مراکز ملوک‌الطوایف مشخص کرد که در صورت فرمان‌ناپذیری با چه سرنوشت دردناکی مواجه خواهند شد. این روندی بود که به‌صورت تاریخی توسط هر حکومتی که به دنبال تقویت بنیان‌های خود بود اعمال شد و سیاست‌های مرکزی را بر مراکز پیرامونی تحمیل کرد. در چشم‌اندازی نسبتاً وسیع به سیاست‌های شاه‌عباس اول (لوئی بلان، ۱۳۷۵، ۱۱۶) می‌توان گفت که انتقال پایتخت از قزوین به سوی اصفهان (مرکزیت جغرافیایی و ایجاد بعد مسافت برای امنیت بیشتر)، سرکوب ازبکان (امنیت شرق و جاده‌های تجاری آن) رونق تجارت در خلیج فارس (عبور از بن‌بست عثمانی و ورود به تجارت بین‌الملل در مناطق امن)، سرکوب ایلات و طوایف مدعی قدرت چه درون درباری و چه منطقه‌ای (ترکمان، ۱۳۱۷، ج ۲، ۷۴۴-۷۵۰) از اقدامات مهم در جهت گسترش مبانی امنیت ساختاری بود.

یکی از نیروهای مهم مدعی در این دوره نیروی قزلباش بود که مهم‌ترین نقش را در برآمدن حکومت صفویه ایفا کرد؛ اما با تضعیف عمومی ارکان حکومت صفویه متعاقب شکست چالدران، خیلی زود تغییر رویه داد و به‌طور نسبی بسته به مناطق تحت فرمان خود در قدرت به تعارضی آشکار با حکومت صفویه پرداخت. مهم‌ترین عنصر ایرانی که در این تعارض مورد خشم قزلباشان قرار گرفت اهل قلم یا دیوانیان در نظام دیوان‌سالاری ایرانی بود. آنان کار اهل قلم را در مقایسه با کار خود (اهل شمشیر)، که خود را مجری آن می‌دانستند، کاری حقیر می‌دانستند و فرمان‌بردن از دیوان‌سالار ایرانی را نمی‌پسندیدند. حتی ایجاد مقام وکیل نفس نفیس همایون (نایب شاه) نیز در زمان شاه‌اسماعیل اول مانع این تعارض نشد (نوایی و غفاری‌فرد، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۵). گواه این مطلب در نبرد غجدوان قابل‌بررسی است (قمی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۲۸). در این نبرد، قزلباشان امیر نجم‌ثانی، وکیل نفس نفیس همایون را تنها گذاشتند (ترکمان، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲-۴) و او توسط ازبکان اسیر و به امر عبیدالله ازبک به قتل رسید (خواندمیر، ۱۳۶۳: ۷۹-۸۰).

شکست در چالدران در روابط حکومت صفویه با قزلباشان نقطه جدیدی بود که با از بین رفتن اعتبار ماورایی شاه صفوی (سیوری، ۱۳۶۳: ۴۰) امیران قزلباش را بر آن داشت تا از فرصت پیش‌آمده به نفع خود استفاده کنند و هریک برای تصاحب گوشه‌ای از ایران صفوی به تکاپو افتاده و سهم بیشتری مطالبه نمایند (شاه‌تهماسب، ۱۳۶۳: ۴). در دوره شاه‌تهماسب اول، درگیری بین امرا و قزلباشان بسیار زیاد بود (سیوری، ۱۳۶۳: ۴۶). امرای تکلو، با سایر قبایل قزلباش چالش بیشتری داشتند. جنگ‌های کوچک و

بزرگ داخلی قزلباشان آشفتگی‌های بسیاری را در ساختار حکومت صفوی ایجاد کرد (نوایی و غفاری فرد، ۱۳۸۱: ۱۰۹). قتل عام تکلوها مهم‌ترین واقعه تاریخی این مقطع بود که عده‌ای در دربار کشته و عده‌ای نیز که به بغداد گریخته بودند توسط حاکم صفوی بغداد کشته شدند (سیوری، ۱۳۶۳: ۴۸).

شاه تهماسب اول متوجه شاملوها نیز شد و از نفوذشان به شدت کاست (روملو، ۱۳۵۷، ج ۱۲: ۲۴۶). او همچنین با دیدن کاهش شدید جایگاه شاه صفوی در بین قزلباشان به وسیله وارد کردن علمای شیعه از جبل عامل به ایران سعی در ارتقای جایگاه سلطنت صفوی داشت. او بعدها مقام صدارت را به ایرانیان و امیرالامرای را به قزلباشان داد و با استفاده از قدرت علما در برابر قزلباشان مستعد خیزش رقیبی جدید ساخت. شاه عباس اول تلاش برای محدود کردن قدرت قزلباشان را با تقویت جناح تاجیک آغاز نمود. در این زمان، لرستان در اختیار افشارها، فارس در اختیار ذوالقدرها، خراسان در دست شاملوها و استاجلوها، آذربایجان در دست ترکمانان و تکلوها بود و قزلباشان همواره در تلاش بودند که قدرت خود را افزایش و سهم بیشتری از مناصب مرکز یا ولایات را به خود اختصاص دهند. خودسری‌های مکرر قزلباشان و آلت فعل شدن شاه (ترکمان، ج ۲: ۴۷) مهم‌ترین زمینه‌ای بود که شاه عباس اول را به تصمیمی بزرگ مصمم نمود تا قدرت نظامی آنان را به نیرویی دیگر واگذار و بخش نافرمان از این نیروی سرکش را قلع و قمع نماید (سیوری، ۱۳۸۸: ۸۰). شاه عباس اول ضمن ارتقای منصب صدارت از اشخاص متنفذ و مقتدر دیوان‌سالاری برای نیل به اهدافش کمک گرفت و از غلامان گرج، چرکس و لرگی سپاهی با عنوان شاهسون به راه انداخت و با گرفتن تیول‌های قزلباشان و تبدیل آن‌ها به خاصه، منبع اقتصادی قزلباشان را به دست گرفت و موجبات شرایط پرداخت دستمزد به ارتش جدید را فراهم نمود (سیوری، ۱۳۶۳: ۶۹). ایجاد یک انسجام در این حد مستلزم اصلاح ساختار حکومتی و نیروهای حاضر در آن بود. حکومتی که در جنگ چالدران اعتبار خود را از دست داده و در مقطع بعد از آن نیز نیروی قزلباش توانسته بود همه ارکان را به نفع خود تغییر دهد و تا حدودی یکه‌تاز میدان سیاست شود (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۱۶). اقدامات شاه عباس در کوتاه‌مدت توانست تغییری اساسی در وضع نیروها ایجاد کند، اما تداوم آن مستلزم وجود شاهی مقتدر بود که به‌طور نسبی تا مرگ شاه عباس اول این ساختار کارکرد مثبتی را بر جای گذاشت (نصیری، ۱۳۷۱: ۱۶).

۴. تشکیل نیروی سوم در میان نیروهای نظامی سنتی

نیروی سوم، که اصطلاحی جدید هم به شمار می‌رود، در این دوره به نیرویی گفته می‌شود که توسط شاه عباس اول به وجود آمده و تنها موظف به اتکا و پاسخگویی به شخص شاه بود. آنان از غلامان مسیحی قفقازی که غلام یا قوللر خوانده می‌شدند تشکیل می‌شدند (سیوری، ۱۳۷۲: ۸۹-۸۸). این نیروها به کلی از وابستگی‌های قبیله‌ای در دوره شاه عباس اول به دور بودند (ثواقب، ۱۳۹۱: ۶۰). در دوره

شاه‌تیماسب اول، به هنگام حمله به قفقاز مردمانی از اقوام گرج، ارمنی و چرکس به اسارت سپاه صفوی درآمدند و در دوره شاه‌عباس اول این نیروی قابل توجه به کار نظامی گرفته شد و به تقلید از نیروی ینی‌چری در عثمانی، ارتشی دائمی و زیر نظر شخص شاه و به‌دوراز امرای ایرانی و قزلباش ایجاد شد (فلور، ۱۳۸۸: ۱۷۸). خودسری‌های مکرر از گسیل سپاه توسط قزلباشان و گریزان‌بودن نسبی آنان از تشکیلات حکومت مرکزی و پناهندگی برخی از آنان به خارج از قلمرو صفویان (بیانی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۷) مهم‌ترین دلیل تشکیل این ارتش نوین بود (آقاجری، مشفق‌فر، ۱۳۸۹: ۳-۴). آن‌ها در کارهای امنیتی که به واکنشی سریع نیاز بود به کار گرفته می‌شدند. به‌ویژه زمانی که گروه‌هایی از قزلباشان نافرمانی می‌کردند، اهمیت این نیرو دوچندان بود (فلور، ۱۳۸۸: ۲۱۹). این غلامان یا از طریق پیشکش شدن به شاه یا خرید از طرف دربار یا اسارت در جنگ به‌دست‌آمده بودند و مانند غلامان خانه‌زاد مورد توجه شاه بودند (بیانی، ۱۳۷۸: ۹۴). برخی از این نیروها غلامان تازه‌مسلمان شده قفقازی و بخش دیگر شامل گروه‌های دیگر ایرانی بودند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۸۸). گروه‌های تفنگچی از میان غلامان (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۱۰۶) و برخی هم از روستاییان ایرانی انتخاب می‌شدند (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۵۴). قطع تسلط قزلباشان بر شاه و شاهزادگان صفوی، نابود ساختن بخش نافرمان نیروی سنتی نظامی، جایگزینی نیروی سوم که فقط به شاه تکیه داشته باشند، ایجاد توازن بین نیروهای موجود در دربار و ایالات و تحمیل تکثر به نیروهای حکومتی از مهم‌ترین مسائلی بود که با رشد و تقویت نیروی سوم در دربار شاه‌عباس اول به‌طور موفق انجام گردید. شرایط عمومی غلامان، اعتماد قابل توجه شاه به آنان و آموزش دیدن در دربار باعث رشد سریع آنان در دستگاه حکومت صفوی شد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که به‌واسطه حضور آنان در ساختار حکومت صفوی، تحمیل خواسته‌های قزلباشان به دربار ناممکن و تا حدود زیادی قدرت در دست شاه متمرکز شد و از سویی نیز به‌طورعام برای دولت صفویه امنیت در ساختار مهیا نمود. به‌واسطه این امنیت بود که شاه‌عباس اول بر آن شد که اوضاع اقتصادی را بهبود و منابع تولید ثروت را دوباره بخشد و از استعدادهای تجاری قلمرو خویش بیشترین استفاده را ببرد.

۵. امنیت پایتخت و اهمیت موقعیت جغرافیایی آن

تأمین امنیت پایتخت همواره در طول تاریخ ایران‌زمین از مهم‌ترین ارکان تضمین ساختار حکومت‌ها بوده است. فاصله‌داشتن از مرزهای سیاسی، مرکزیت نسبی موقعیت جغرافیایی، تکثر اقوام و مردمان در اطراف منطقه پایتخت، داشتن جاذبه در دنیای تجارت و تولید، استعداد آب‌وهوا و اقلیم و... از شاخص‌های مهم انتخاب شهری به‌عنوان پایتخت به‌صورت سنتی در طول تاریخ بوده است. از پیامدهای شکست چالدران درخصوص ارتقای امنیت پایتخت صفوی، لزوم تغییر موقعیت پایتخت بود و لذا در چند مرحله پایتخت از

محدوده تسلط احتمالی عثمانی به سوی مناطق امن تر و نهایتاً به سمت مرکز سرزمین ایران تغییر مکان داد. قزوین به عنوان پایتخت صفویان جایگاه مناسبی داشت، اما شاه عباس در تلاش برای تأمین امنیت پایتخت ناگزیر از انتقال آن به اصفهان بود (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱: ۵۴۴). منجم یزدی در تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، غارت‌های ازبکان در یزد و کاشان را عامل این تغییر دانسته است (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۶۱). شاردن نیز تسلط بر فارس و کرانه‌های دریای فارس را در انتقال پایتخت مهم می‌داند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۸۸). علاوه بر آن، دورنمای تجاری این منطقه نیز در این انتقال بسیار مهم بود؛ از این رو که موقعیت جغرافیایی اصفهان شاه را قادر می‌ساخت بر خلیج فارس، که از این دوره به بعد در نقش دروازه بین‌المللی تجارت ایران با جهان ایفای نقش می‌کرد، تسلط بیشتری اعمال کند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۵۲).

شاه عباس اول، اصفهان را به مرکز فعالیت‌های تجاری تبدیل کرد و از آن پس کاروان‌هایی که از سمت شمال به جنوب و از شرق به غرب روانه می‌شدند می‌بایست از اصفهان عبور می‌کردند و این شهر رسماً به عنوان محل تلاقی شاهراه‌های تجاری ایران واقع شد (هینس، ۱۹۷۹: ۷۶-۷۷). دوربودن از دو دشمن ازبکان و عثمانی از دلایل اصلی تضمین این انتقال بود. با انتخاب اصفهان به پایتختی، ثروت و نیروهای مولد از سایر نقاط به این شهر سرازیر شد و آن را به محل دادوستد تجار و مکان بازارهای پررونق تبدیل کرد. در این دوره، بین ایران و اروپا روابط عمیقی برقرار شد و اصفهان به محل ملاقات‌ها و آمدوشد مردمانی از ملیت‌های گوناگون تبدیل شد. اولتاریوس درباره توسعه روابط تجاری اصفهان در این دوره می‌نویسد: «در تمام آسیا و حتی در تمام اروپا کشوری نبود که تجارتش را به اصفهان نفرستاده باشد. بازار اصفهان علاوه بر تجار ایرانی، بازرگانان هندی، تاتارهای خوارزم، ختایی، بخارا، ترک یا یهودی، ارمنی، گرجی و در کنار آن‌ها تجار اروپایی از انگلستان، هلند، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا مشاهده می‌شود.» (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۶۱۸). دلاواله نیز درباره حضور ملیت‌های گوناگون در اصفهان اظهار می‌دارد: «اصفهان واقعاً شهری است که در آن همه نوع اقوام و ملل گرد آمده‌اند، چنان‌که به تنهایی در خانه من به ده زبان تکلم می‌شود و علاوه بر آن زبان دیگری هم هست که هریک از ما کم‌وبیش به آن‌ها آشنایی داریم.» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۰۶).

این کلان‌شهر بزرگ سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در دوره شاه عباس عصر طلایی خود را سپری کرد و در همه شاخص‌ها مورد توجه شاه و درباریان واقع شد (ملک‌پور، ۲۰۰۴: ۱۱۱-۱۱۲). شاه عباس نه تنها برای داخل شهر برنامه‌های امنیتی و اقتصادی بسیار داشت، بلکه برای راه‌های منتهی به آن نیز برنامه‌های بسیاری را به کار بست. وجود طوایف لر و بختیاری در غرب منطقه سپهان و تسلط نسبی آن بر راه‌های شمالی، جنوبی و غربی اصفهان به نقاط دیگر شاه‌عباس را بر آن داشت تا با ایجاد روستاهای جدید در مرز پایتخت و راه‌های مواصلاتی آن با ایلات مجاور امنیت آمدوشد را چندین برابر کند. رودخانه زاینده‌رود نقش بزرگی در ایجاد این روستا قلعه‌ها داشت و علاوه بر آن وجود روستاهای

کهن فارس زبان در مرز ایلات غربی نیز عاملی در جهت اجرای تأمین امنیت پایتخت محسوب می‌شد. منطقه چهارمحال، فریدن، گلپایگان و خوانسار و... در غرب و شمال غرب اصفهان و بخش‌هایی از ایالت فارس نیز در جنوب غرب پایتخت جدید نقش امنیتی جدیدی یافتند. ترکیب جمعیتی این مناطق، که با ساکنان اصلی و واردکردن روستاییان جدید از اقوام کرده، ترک، گرج، ارمنی و چرکسی تشکیل شده بود، به‌عنوان عامل غیر همگن ایلات موجود عمل می‌کرد.

۶. ساخت راه‌ها و رباط‌ها و مسئله امنیت آن‌ها

یکی از مشخصه‌های اصلی پیشرفت کشورها در هر عصر، میزان وجود راه‌ها و مسئله امنیت آن‌هاست. مسافرت آسان و داشتن امکانات نظیر راهنما و جان‌پناه و همچنین وجود نگهبانانی هوشیار یکی از شاخص‌های مهم رونق اقتصاد و امنیت آن در تاریخ بوده و هست. جابه‌جایی مسافران و ارسال کالا یکی از عناصر اصلی تأثیرگذار در رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌رفت. از این‌رو شاه‌عباس اول برای توسعه اقتصادی ایران ناگزیر از اصلاح راه‌های قلمرو نسبتاً وسیع صفوی بوده و در ادامه این روند نیز به احداث راه‌های جدید نیاز داشت. اولین ایالت موردتوجه گیلان و مازندران بود که به‌واسطه تولید ابریشم و نیز وجود سلسله‌جبال البرز همراه با وجود باتلاق‌ها و سیلاب‌های فراوان و وفور بارندگی به‌صورت طبیعی از بقیه قلمرو جدا مانده بود (بیرجندی‌فر، ۲۰۱۹: ۱۰۸-۱۱۰) و رفت‌وآمدهای آن به‌سختی و فقط توسط راه‌بلدهای بومی امکان‌پذیر بود. شاه صفوی درصدد برآمد تا راه‌های منتهی به این ایلات را اصلاح کند. ایجاد پل‌های بزرگ و مستحکم و سنگ‌فرش کردن کلیه مسیرها (باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۸: ۱۵۰)، که به نقلی قریب‌به ده هزار تومان هزینه داشت و از سنگ و آهک جهت استحکام بیشتر آن استفاده شد، از اقدامات اصلاحی این مسیر مهم بوده است (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۱۱۱). این راه اصفهان و کاشان و مشهد را با شمال کشور ارتباطی مناسب داد. در مسیر جنوب نیز در سال ۱۰۳۰ ق. به احداث جاده کاروان رو از اصفهان به بندر گمبرون از طریق شیراز اقدام شد و این مسیر نیز اصلاح و در برخی مسیرها هم کوتاه‌تر شد (کیانی، ۱۳۷۹: ۳۰۴).

علاوه بر راه، نوع وسایل حمل‌ونقل و امنیت در مسیر نقش اساسی داشت که برای تأمین آن نیز شاه‌عباس مأمورانی را مسئول ایجاد امنیت در طرق ولایات کرد (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۱۰۴). شبکه اداری راهداری جهت نظارت بر امنیت راه‌ها ایجاد شد و مأموران آن موظف به نظارت و تأمین امنیت راه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج اجناس قاچاق (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۳۶۲) و حتی مسئول ایجاد کمین برای دستگیری راهزنان بوده و عموماً در کنار رودخانه‌ها و پل‌ها مستقر می‌شدند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۶۵). تاورنیه تاجر فرانسوی می‌نویسد: «در ایران بر امنیت راه‌ها به‌خصوص نظم فوق‌العاده خوبی اجرا می‌کنند.

باید دانست که در مسافت‌های معین به‌خصوص در جاده‌هایی که آب وجود دارد و کاروان الزاماً باید از آنجا بگذرد، نگهبانانی به نام راهدار گماشته‌اند که به مجرد شنیدن خبر دزدی، خود را می‌رسانند و از همه عابران می‌پرسند که به کجا می‌روند و از کجا می‌آیند. اگر آن‌طور که باید جواب ندهند و یا در جواب آن‌ها ضدونقیض باشد او را پیش نزدیک‌ترین حاکم می‌برند تا چنانچه گناه دزدی او ثابت شد او را مجازات کنند» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۷۷). دستمزد راهداران را کاروان‌داران و مسافران می‌پرداختند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۷۸-۲۷۹؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۵). ایجاد این چنین امنیتی در راه‌ها سبب شد که جهانگردان و تاجران بسیاری به‌سوی ایران مسافرت کنند و از امنیت بالای راه‌ها سخن برانند و دیگران را در جهت مسافرت و تجارت با ایران ترغیب نمایند (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۸). راهداران دستور داشتند هرکس را که تنها و از جاده‌های پرت سفر می‌کند و برای آن‌ها کاملاً ناشناخته است متوقف سازند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۹۰). دزدان به فجیع‌ترین شکل ممکن شکنجه و اعدام می‌شدند و مسئولیت امنیت راه هر منطقه برعهده امیر محلی بود و اگر در منطقه‌ای دزدی می‌شد، امیر محلی موظف بود خسارت وارده به فرد یا کاروان را جبران کند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۸۱؛ شاردن، ۱۳۷۴: ج ۴: ۱۲۸۴؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ج ۲: ۱۱۰۶). راهزنان و دزدان را با انواع شکنجه‌ها و بدون پذیرش هرگونه شفاعت از پای درمی‌آمدند و اجساد آنان به‌صورت مضحکی برای درس عبرت سایرین و معرض عموم مسافران قرار می‌گرفت (جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۶۲؛ تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۷۸). با این شدت و سخت‌گیری که بر سارقان و راهزنان روا داشته می‌شد، ترس و بیم بر آنان حاکم شده و درنهایت امنیت بر راه‌ها استوار می‌گردید.

نحوه سفر در زمان صفویه در قالب کاروان و به‌صورت روزها حرکت و شب‌ها اتراق بوده است. منزل کردن و غذا خوردن و باز و بستن بارونه و استراحت در کاروان‌سراها در منابع عصر صفوی بسیار گزارش شده است (شاردن، ۱۳۴۹: ج ۳: ۴۹). در زمان شاه‌عباس ساخت‌وساز بناهای کاروانی نیز رونق بسیار گرفت. تعمیر کاروان‌سراهای مخروبه در سراسر کشور و ساخت تعداد بی‌شماری کاروان‌سراهای جدید و آب‌انبارهای بزرگ برای تأمین آب کاروانیان و مسافران در مسیر جاده‌های کشور دوران او را به‌عنوان عصر طلایی راه‌ها، کاروان‌سراها و آب‌انبارها در تاریخ ایران معروف نموده است (کیانی و کلاس، ۱۳۷۴: ۲). تلاش شاه‌عباس اول برای ساخت راه و کاروان‌سرا و آب‌انبار بخشی از سیاست او برای رونق بازرگانی در امپراتوری صفویه بود (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۸۷). کاروان‌سراهایی که در دشت‌ها ساخته می‌شد ظاهری دژمانند، کنگره‌دار و محکم، با دروازه ورودی بزرگ، دارای نمازخانه، آب‌انبار، حمام، محل فروش و... با ایوان‌های مستقل برای هر حجره و سکوه‌های برآمده برای استراحت مسافران داشت. این کاروان‌سراها به‌قدری مفید بودند که در کوتاه‌مدت موردتوجه تجار و مسافران قرار گرفتند و در نتیجه تجارت به طرز محسوسی رونق یافت (راوندی، ج ۵، ۱۳۶۴: ۵۸۲). کاروان‌سراهای برون‌شهری در مناطق گرم و خشک دارای آب‌انبار و برای خنک شدن محیط درونی دارای بادگیر و در مناطق کوهستانی مجهز به بخاری و

انبارهای هیزم بود (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۱۴). کاروان‌سراهای درون‌شهری نیز برای رونق تجارت توسعه یافتند (کیانی، ۱۳۷۳: ۴). شاردن از چند کاروان‌سرا، که به سبب خریدوفروش اجناس معروف شده بودند، نام می‌برد (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۳۱۶). استفاده‌کنندگان از کاروان‌سراهای برون‌شهری پولی پرداخت نمی‌کردند، اما کاروان‌سراهای درون‌شهری باید مبلغی را می‌پرداختند (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۳۳). با این ایده، روند تأمین امنیت راه‌ها و ایجاد کاروان‌سراها رونقی شگفت در دوره شاه‌عباس اول در بعد گسترش اقتصاد و امنیت آن پدید آمد (ذهابی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۲-۶۳) و راه‌های طویل قلمرو صفویه به‌سهولت قابل تردد و اقتصاد محلی و منطقه‌ای به اقتصاد ملی و جهانی پیوند خورد.

۷. اعطای نقش به ارمنیان در جهت تولید و رونق امنیت تجاری و تضمین تجارت داخلی و خارجی

ارمنیان مهم‌ترین و کارآمدترین عنصری بودند که در دوره شاه‌عباس اهمیت بسیاری یافتند. رفتار بد حکومت عثمانی با ارامنه و خراج سالیانه بسیار همراه با شکنجه و تفاوت دین آنان همواره دستاویزی برای فشار و ستم از سوی عمال عثمانی بود (دروهانیان، ۱۳۷۹: ۱). لذا برخی از ارمنیان که شرایط عثمانی را سخت می‌دیدند، به ایران می‌گریختند. شاه‌عباس در سال ۱۰۱۳ ق فرمان داد تا تمام آبادی‌هایی را که در ارمنستان بر سر راه سپاهیان عثمانی بود ویران کنند (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۶۶۷-۶۶۸؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷۰-۲۷۱) و بسوزانند و مردم ارمنی شهرهای جلفا، ایروان و اطراف آن را، که به یک روایت بیش از شصت هزار خانوار بودند، به نواحی مختلف ایران خاصه اصفهان و گیلان کوچ دهند و به قولی بیست‌وهفت هزار خانوار را به گیلان و سه هزار خانوار را به اصفهان و بقیه را در مناطق مرکزی اسکان دادند (فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۳: ۹۴). شاه خطر اسارت ارامنه را به دست ترک‌ها منتفی نمود و با سیاست سرزمین سوخته (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰) مرزها را از سکنه خالی کرد و اهالی آنجا را به درون قلمرو صفوی انتقال و املاک دیگری را در اختیارشان گذاشت و با اسکان آنان در نواحی مختلف از آن‌ها در جهت سیاست‌های نظامی و اقتصادی خویش بهره برد (دلواله، ۱۳۷۰: ۱۷۲؛ تاورنیه، ۱۳۸۲: ۷۵). ارامنه، از نظر شاه‌عباس اول، برای رونق بخشیدن به تجارت، مردمانی مستعد و برای گسترش تجارت با عثمانی و دول مسیحی مناسب‌ترین گزینه بودند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۷۲). شاه با کمک طبقه بازرگان ارمنی به توسعه تجارت خارجی ایران با کشورهای آسیایی و اروپایی پرداخت و در مجموع انسداد راه‌های تجاری توسط عثمانی را به تجارت آزاد جهانی تغییر داد. حکومت صفوی شرایط مساعد تجاری برای ارمنیان به وجود آورد و آن‌ها نیز با فعالیت تجاری خود سود سرشاری عاید خزانه ایران می‌کردند. در این بین، اشتراک منافع یا نوعی پیمان اقتصادی پدید آمد که برای دو طرف مقرون‌به‌صرفه بود. شاه با فرمان‌هایی ارامنه را نوازش کرد و آنان را از جایگاه اسیر، کنیز و غلام به

جایگاه رعایای آزاد شاه ارتقا داد (فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۳: ۲۰۶). آزادی ساخت کلیسا (درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۳۰) و مجازات مسلمانان متعرض به ارامنه، آزادی زنان ارمنی در انتخاب پوشش (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۸۲) و شرکت شخص شاه در برخی مراسم و اعیاد ارامنه (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۵۶) انتخاب یک نفر کلانتر برای ارامنه، اعطای امتیاز تجارت ابریشم به ارامنه (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۷) و انتخاب ارامنه به عنوان تجار خاصه (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۷۲) از مهم‌ترین توجهات شاه‌عباس به آنان است. فعالیت تجاری ارامنه در سطح اروپا به قدری شناخته شده بود که امروزه گفت‌وگوی یک فرانسوی با یک تاجر جلفا به نام خواجه صفر وجود دارد که بیانگر رقابت کاروان‌های تجاری ارامنه با کشتی‌های تجاری اروپا در عصر سرمایه‌داری تجاری است (درهوهاتیان، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

ارمنیان با عقد پیمانی با روسیه توانستند مال‌التجاره خود را از مسیر هشترخان و آرخانگل با پرداخت حقوق گمرکی ۵ درصد به اروپا ببرند و آزادانه در روسیه آمدورفت کنند (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۱۵۰). کالایی که معمولاً در این مسیرها مبادله می‌شد شامل سنگ‌های قیمتی، مروارید، ادویه، پارچه، پوست خنز و ابریشم بوده است (فریر، کمبریج ۱۳۸۰: ۲۶۴). این بازرگانان از راه روسیه به اروپا و کشورهایمانند لهستان و مولداوی روابط تجاری برقرار کرده و ادویه، کندر، فلفل و فرش‌های گران‌بها و دیبا و همچنین ابریشم ایرانی را به لهستان بردند و لهستانی‌ها را با حریربافی آشنا ساختند (بایبوردیان، ۱۳۷۵: ۱۶۱). امتیازات خاصی که روسیه به تجار ارمنی داده بود انگلیس‌ها را بر آن داشت تا برای رفع مشکلات تجاری‌شان با ارامنه روابط گرمی برقرار کنند؛ اما رقابت با کمپانی لوانت و روابط تجاری پرسود ارمنیان با ایران و سایر کشورها مانع از گسترش روابط تجاری با انگلیس بود (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۹۸). با وجود این، در سال ۱۶۸۸ کمپانی هند شرقی انگلیس به ارمنیان حقوق و امتیازات ویژه‌ای اعطا نمود و طبق موافقت‌نامه‌ای به ارامنه در باب سکونت، استخدام، آزادی مذهب و آمدوشد به هندوستان و دریای جنوب و بنادر جنوب ایران، به‌ویژه تجارت با بندرعباس با ناوگان انگلیس، موافقت نمود (درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۱۲۹). ارمنیان برای صفویان در اروپا بازارهای پرفروش می‌ساختند و درعین حال از سود حاصل از این معاملات نیز سود وافری می‌بردند و مانند منبع پول نقد برای خزانه سلطنتی محسوب می‌شدند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۳۱، ۴۳؛ تاورنیه، ۱۳۸۲: ۸۱)؛ به‌طوری‌که این شرایط تا مدت‌ها بعد از شاه‌عباس نیز تداوم داشته است: «ارمنیان متمول‌ترین افراد کشور هستند، چه شاه به آن‌ها وام‌های طویل‌المدت می‌دهد و تجارت خارجی ابریشم نیز در دست آن‌هاست» (جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۲۰). یا در جایی شاردن نیز می‌نویسد: «شاه در کار رونق بخشیدن به بازرگانی چنان موفق شد که هنگام مرگ عده بازرگانان جلفا، که سرمایه‌شان از دو میلیون می‌گذشت، بسیار بود» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۷۲). توان ارتباطی ارمنیان در عرصه تجاری با سایر کشورها در دوره شاه‌عباس بر کسی پوشیده نیست (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۹۹-۲۰۰). تجار ارمنی جلفا برای ایجاد نظم در فعالیت بازرگانی خود شرکت‌هایی را تشکیل داده بودند

که این تشکیلات در جهت رقابت بیشتر با شرکت‌های تجاری در اروپا بوده است. فراگیری زبان‌های خارجی، وفق‌پذیری با شرایط زندگی در سایر کشورها و ایجاد سریع ارتباط مثبت با تجار کشورهای دیگر و توانایی در روش‌های وام‌گیری و وام‌دهی و تسلط بر قوانین بازارهای مختلف از جمله مشخصات ارامنه در دنیای تجاری عصر شاه‌عباس بوده است (اعرابی، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

۸. تضمین امنیت تجار مسیحی و تشویق آنان به فعالیت‌های اقتصادی

فضای تاریخی دوران شاه‌عباس اول، که حس تنفر بین پیروان دو دین مسیحیت و اسلام موج می‌زد و این ذهنیت همراه با دستورات فقهی و روایی مبنی بر حرمت ارتباط با مسیحیان ترویج می‌شد، به صورت مانعی بزرگ در راه گسترش روابط تجاری و همچنین تضمین امنیت و تداوم آن بود. تاورنیه می‌نویسد: «مسلمان هر چیزی را که دست مسیحیان به آن خورده باشد نجس می‌دانند و شست‌وشو می‌دهند» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۱۶۰). شاه‌عباس برای تغییر ذهنیت جامعه و رشد تجارت و فروش محصولات داخلی به اروپاییان و بازرگانان خارجی و همچنین یافتن متحدی ارزشمند در پشت‌سر عثمانی، روش آرام و توأم با احترامی را در پیش گرفت (سیوری، ۱۳۷۲: ۹۷). این در حالی بود که به نقل دلاواله در عثمانی و سایر کشورهای اسلامی نه تنها ساختن کلیسای جدید مجاز نبود، بلکه اگر یک کلیسای قدیمی خراب می‌شد، مسیحیان نمی‌توانستند آن را تعمیر و احیا کنند. درحالی‌که مسیحیان ایران هرچقدر که می‌خواستند می‌توانستند کلیسا بسازند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۷۴). اجازه سکونت، مالکیت و تأسیس کلیسا و اجازه فعالیت مبلغان مذهبی و صدور فرمان‌های بسیار در جهت رفاه حال پیروان سایر ادیان در قلمرو صفوی از جمله مصادیق این تغییر روش است (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۰۸۰؛ فلور، ۱۳۷۱: ۲۴). ویلسن از قول شاه‌عباس نوشته است که میل و اراده ما آن است که از امروز به بعد ایالات و ولایات ما بر ملل مسیحی و مذهب آن‌ها گشوده باشد و هیچ‌یک از رعایا و اتباع ما حتی حکام و فرمانروایان و صاحب‌منصبان لشکری و کشوری، کمترین مزاحمتی برای آنان فراهم نمایند... علما و روحانیون ما حق ندارند در امور مذهبی آنان مداخله کرده و باعث زحمت ایشان بشوند... میل و اراده ما بر آن قرار گرفته است که این فرمان تا ابد چه در زمان خود ما و چه در زمان جانشینان ما به موقع اجرا گذاشته شده و هرگز تغییری در آن داده نشود» (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۴۸-۱۴۹). این تأکید بر ضمانت و تأمین امنیت پیروان ادیان دیگر و به‌ویژه اروپاییان نشان از آن دارد که شاه‌عباس در تلاشی عظیم برای خروج از بن‌بست موجود عثمانی و نظام حاشیه‌ای شدن اقتصاد کشور (فوران، ۱۳۷۷: ۷۴) خویش داشته است. جملی کاری می‌نویسد که اروپاییان ساکن ایران به هر جا و به هر ترتیبی که بخواهند آزادند تردد کنند و کسی مزاحشان نیست و برخلاف عثمانیان که نمی‌گذارند اروپاییان در سرزمین آن‌ها لباس سبز بپوشند، اروپاییان در ایران حق پوشیدن

لباس سبزرنگ را هم دارند (جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۶۵). این زیرساخت‌ها سرانجام نتیجه داده و اقتصادی نسبتاً شکوفا را برای این دوره حساس تاریخ صفویه به همراه آورد؛ هرچند نمی‌توان دیدۀ محققان را بر سوءاستفاده‌های موسیونرهای مذهبی و جاسوسان غربی برای نفوذ در جامعه شرقی و به‌خصوص ایران زمین بست.

۹. انحصار تجارت ابریشم تضمینی برای تولید و امنیت عرضه آن در ایران

ابریشم در عصر شاه‌عباس اول یکی از بهترین و گران‌بهاترین کالاهای صادراتی بود و در کشورهای اروپایی خریدارانی داشت. محصول ابریشم ایران بیشتر در ولایات گیلان و مازندران، خراسان، گرجستان، کرمان، شیروان، اردبیل، قراباغ و... تولید می‌شد (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۶۵۹). شاردن محصول سالیانۀ ابریشم ایران را بیست‌ودو هزار عدل و هر عدل را دویست‌وهفتادوشش لیور تخمین زده است (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۰۲). ابریشم‌های ایران به ترتیب کیفیت نرمی و ظرافت شامل: شعریاف (زریاف)، کدخداسند، خرواری، شروانی و بر اساس تقاضای بازار، خریدوفروش می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۰۳). شاه‌عباس که در نخستین سال‌های سلطنت خود به عدم رونق معاملات بازرگانی ایران با کشورهای دیگر پی برده بود، سیاست اقتصادی ویژه‌ای را طراحی و به کار بست که بر افزایش صادرات و کاهش واردات متکی بوده، به همین منظور مجبور بود در تجارت و امور بازرگانی به‌خصوص تجارت ابریشم مداخله نماید. به فرمان شاه‌عباس، تولیدکنندگان ابریشم ناگزیر بودند تمام محصول سالانۀ ابریشم را به‌وسیله وزیر مخصوص، که مأمور مراقبت در امور تجاری بود، به شخص وی بفروشدند و فروش محصول ابریشم در سراسر کشور با مشتریان دیگر امکان نداشت. این سیاست به بازرگانان ایرانی و بیگانه امکان خریدوفروش بلندمدت این محصول را می‌داد و علاوه بر آن سود بسیار زیادی به خزانه شاهی سرازیر می‌کرد (فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۵: ۲۳۰). شاه‌عباس به فراخور اوضاع روابط با دو مسیر عثمانی و خلیج‌فارس و دریای عمان برای صادرات ابریشم اقدام می‌کرد؛ به‌طوری‌که در زمان صلح مسیر عثمانی و در زمان جنگ مسیر جنوب بیشترین حجم صادرات ابریشم را تجربه می‌کرد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۲-۱۴۷). در زمان شاه‌عباس و حتی جانشینانش به‌طور نسبی، ابریشم خام کالای مهم صادراتی بود و قالی، پشم، سنگ‌های قیمتی، خشکبار و تنباکو نیز مکمل مال‌التجاره‌های صادرکنندگان بود (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷). شاه‌عباس از میان تجار هندیان را به علت خروج سرمایه‌های نقدی از ایران چندان نزدیک نمی‌داشت، اما به تجار ارمنی به دلیل تجمع سرمایه‌هایشان در ایران استقبال می‌نمود. تولید ابریشم نیز موردحمایت سیاست‌های شاه‌عباس بود. کوچ گرجیان و ارمنیان و اسکان آن‌ها در مناطق شمالی علاوه بر جنبه سیاسی، به تولید وافر این محصول کمک شایانی نمود. بازاریابی و صدور محصول ابریشم از طریق تجار غربی-ارمنی، کمپانی‌های اروپایی، سفیران و نمایندگان

خارجی و فرستادگان شاه به دربارهای کشورهای دیگر انجام می‌شد و شاه‌عباس به وسیله آن در دیپلماسی اقتصادی خویش با موفقیت روبه‌رو می‌شد. انحصار ابریشم به‌نوعی قاعده‌مند کردن تولید، عرضه و صدور آن بود و برای خریداران خارجی در حکم تضمین و تأمین منابع تولید و عرضه و به‌طور نسبی قیمت متعادل آن به حساب می‌آمد. در کوتاه‌مدت برای شاه و دربار صفوی این انحصار باعث افزایش ثروت و قدرت بود و می‌توانست سرمایه‌ زیادی به خزانه شاهی بریزد، اما در بلندمدت به هر ترتیب این سیاست مشکلاتی در بخش سرمایه‌گذاری و تولیدکنندگان به وجود می‌آورد (بنانی، ۱۳۷۷: ۴۸) و با ضعیف‌شدن دربار و مرگ شاه اقتدار و انسجام آن از بین می‌رفت.

۱۰. نتیجه

گسترش امنیت در دوره شاه‌عباس اول نتیجه طرح‌ها و فعالیت‌های مختلفی بود که زیرساختی برای رهاشدن جامعه فرورفته در نظام ملوک‌الطوایفی سنتی کهن داشت. این امنیت که در ساختار احیاء شده حکومت صفویان در زمان شاه‌عباس رو به رشد گذاشت، علاوه بر اهداف سیاسی، اهداف اقتصادی بسیاری را دنبال می‌نمود. شاه‌عباس اول برای گسترش امنیت و ارتقای جایگاه حکومت مرکزی، روش تمرکز قدرت را در پیش گرفت و برخلاف پدر و جدش به شدت در جهت محدود کردن قدرت مراکز قدرت محلی و ایلی گام برداشت. شاه‌عباس در گام بعدی به دنبال رونق اقتصادی در جامعه ایرانی بود. محدود کردن قدرت قزلباشان و خوانین و امرا که از شکست صفویان در جنگ چالدران تا مرگ محمد خدابنده به‌طور نسبی قدرت خود را افزایش داده و امیال خود را از طریق فشار بر شاهان عملی می‌کردند، کار بسیار بزرگی بود. شاه‌عباس علاوه بر تمرکز قدرت به گسترش دامنه امنیت ساختاری حکومت صفویه پرداخت و با تشکیل نیروی سوم در میان نیروهای نظامی سنتی، قدرت ملوک‌الطوایفی و قزلباشان را محدود نمود. او برای بالابردن امنیت پایتخت خویش با در نظر گرفتن موقعیت مرکزی اصفهان در بعد جغرافیایی و کانونی و فاصله از مرزها و ایلات مترصد، ترکیب جمعیتی درون و بیرون پایتخت را برهم زد و ساختاری جدید پدید آورد. احداث راه‌های مستحکم و کاروان‌سراهای آبادان و برقراری امنیت آن‌ها سهولت مسافرت و جابه‌جایی مسافر و کالا را فراهم نمود. ارمنیان که از جهت تولید و تجارت نقش مهمی برعهده داشتند در تضمین امنیت تجارت داخلی و خارجی و ارتباط با بازرگانان مسیحی دول غربی خوش درخشیدند. آنان علاوه بر رونق تولید و تجارت، سرمایه‌های بسیاری را به خزانه شاهی سرازیر نمودند و علاوه بر آن به‌عنوان رعایای شاه صفوی تقریباً همه سرمایه خویش را در قلمروی ایران نگهداری می‌کردند و این برای حفظ نقدینگی در ساختار مالی حکومت صفویه بسیار مهم بود. درحالی‌که تجار هندی نقدینگی بسیاری را از کشور خارج می‌کردند. امنیتی که در ابتدا برای اهداف سیاسی و نظامی

ایجاد شد به تدریج به سوی گسترش فعالیت‌های اقتصادی پیش رفت. بعدها انحصار تجارت ابریشم تضمینی شد برای تولید و عرضه آن در ایران و تبادلات آن با خریداران خارجی. اقدامات شاه‌عباس با رویکردی برای ایجاد انسجام و گسترش نظم و امنیت در لایه‌های متعدد سیاسی و اقتصادی بود و باعث تغییرات بنیادین در نحوه نگرش به امنیت کلی جامعه و اصل توسعه‌دهی در اقتصاد کلان کشوری گردید.

منابع

- آقاجری، هاشم؛ مشفق‌فر، ابراهیم (۱۳۸۹). «تحلیل استراتژی ایران و مؤلفه‌های آن در عصر شاه‌عباس بزرگ (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق)»، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، تابستان، س اول، ش ۴، ص ۱-۲۴.
- اعرابی هاشمی، شکوه‌السادات (۱۳۸۳). «نقش ارامنه در تجارت خارجی صفویه»، مجموعه مقالات صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، به اهتمام مقصود علی صادقی، تابستان، تبریز: ستوده، ص ۳۱-۴۳.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۹). *سفرنامه اولثاریوس*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، تهران: کتاب برای هم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی‌علیشاه.
- بایوردیان، واهان (۱۳۷۵). *نقش ارامنه در تجارت بین‌المللی تا پایان سده هفدهم میلادی*، ترجمه اویک باغداساریان. تهران: ناشر مؤلف.
- برگستر، ویلی (۱۳۷۸). *دولت و رشد*، ترجمه علی حیاتی، تهران: برنامه‌بودجه.
- بنانی، امین (۱۳۷۷). «تأملاتی درباره ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران در اوج دوره صفویه»، ترجمه محمدعلی رنجبر، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، آذر و دی‌ماه، ش ۱۳۵-۱۳۶، ص ۴۴-۵۵.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، گروه ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیانی، خان‌بابا (۱۳۷۸). *تاریخ نظامی ایران دوره صفوی*، تهران: زرین‌قلم.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیروانی، تهران: نیلوفر.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۱). «نگرشی بر سازمان سپاه در عصر شاه‌عباس اول»، پژوهش‌نامه تاریخ، زمستان، س ۸، ش ۲، ص ۵۹-۸۲.
- جملی‌کاری، جووانی فرانچسکو (۱۳۸۳). *سفرنامه کاری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جنابدی، میرزا بیگ (۱۳۷۸). *روضه‌الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات موقوفه دکتر محمود افشار.
- حسینی، سجاد؛ آقازاده، جعفر؛ مردوار، سودا؛ حسینی صدر، علیرضا (۱۳۹۹). «مدیریت اوضاع امنیتی و انتظامی مرزهای شمال غربی ایران در دوران شاه‌عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ ق — ۱۵۸۷-۱۶۲۸ م)» با اتکا بر تاکتیک زمین سوخته»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، تابستان، س ۷، ش ۲۵، ص ۱-۳۰.

- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۶۳). *تاریخ حبیب‌السیر*، زیر نظر دبیرسیاقی، ج ۳، تهران: خیام.
- دروهانیان، هاروتون (۱۳۷۹). *تاریخ جلفای اصفهان*، ترجمه لئون، ک. میناسیان، م. ع. موسوی فریدنی، اصفهان: نشر زاینده‌رود با مشارکت انتشارات نقش خورشید.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دلیر، نیره (۱۳۹۳). «نظم و امنیت و تأثیر آن بر نظریه‌های ساختار قدرت در تاریخ ایران میانه»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، زمستان، س اول، ش ۳، ص ۱-۱۶.
- ذهابی، مجتبی؛ الهیاری، فریدون؛ کجیاف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). «تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و وجوه اعمال قدرت سیاسی شاه‌عباس در روایت‌های سفرنامه‌نویسان عصر صفوی»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان، س ۱۳، ش ۲۵، صص ۴۷-۶۶.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۴). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۵. بی‌جا: چاپخانه کتیبه.
- روملو، حسن‌بیک (۱۳۵۷). *احسن‌التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- سیوری، راجر (۱۳۶۳). *ایران عصر صفوی*، ترجمه احمد صبا، تهران: کتاب تهران.
- _____ (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹). *دایرة‌المعارف تمدن ایران: سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۴). *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، ۳ و ۴، تهران: توس.
- شاه‌تهماسب صفوی (۱۳۶۳). *تذکره شاه‌تهماسب*، به کوشش ام‌الله صفوی، تهران: شرق.
- صالحی، کورش (۱۳۹۵). «بررسی تاریخی نقش قبایل مرزی در نوسانات امنیتی و انتظامی»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، بهار، س ۳، ش ۸، ص ۱-۲۴.
- فریر، رانلد (۱۳۸۰). «تجارت در دوره صفویان»، در مجموعه مقالات تاریخ ایران دوره صفویه، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، ج ۹، تهران: جامی، ص ۲۱۹-۲۴۷.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). *تاریخ زندگانی شاه‌عباس اول*، ج ۳، ۴ و ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *اولین سفرای ایران و هلند* (شرح سفر موسی‌بیگ سفیر شاه‌عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران)، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران: کتابخانه طهوری.
- فلور، ویلم (۱۳۸۸). *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر آگه.
- فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). *خلاصه‌التواریخ*، به تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹). *معماری ایران*، تهران: سمت.
- کیانی، محمدیوسف؛ کلاس، ولفرام (۱۳۷۴). *کاروان‌سراهای ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لوئی بلان، لوسین (۱۳۷۵). *زندگی شاه‌عباس*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: اساطیر.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، تیم ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده

راهبردی.

منجم یزدی، ملاجلال‌الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.

ترکمان، اسکندربیک (۱۳۴۴). تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۵۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۸). تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: امیرکبیر.

نصیری میرزا علی نقی (۱۳۷۱). القاب و مواجب در دوره سلاطین صفویه، به کوشش یوسف رحیم‌لو، مشهد:

انتشارات دانشگاه فردوسی.

نوایی، عبدالحسین؛ غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در

دوران صفویه، تهران: سمت.

ویلسن، آرنولد (۱۳۶۶). خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی. تهران: علمی و فرهنگی.

Birjandifar, Nazak (2019) Negotiating Power: Gilan and Its Gradual Incorporation into the Safavid Polity. Institute of Islamic Studies. McGill University, Montreal. February.

<https://escholarship.mcgill.ca/downloads/ww72bd970>

Heinz, Gaube(1979) *Iranian Cities*. New York: NYU Press.

<https://catalogue.nla.gov.au/Record/2475617>

Malekpour, Jamshid, (2004) *The Islamic Drama*, London: Taylor & Francis Group.

<https://www.routledge.com/The-Islamic-Drama/Malekpour/p/book/9780714684468>